

فضولی

محیط، زندگی و شخصیت
حیات اجتماعی میانرودان در قرن دهم هجری

تألیف

پروفسور دکتر عبدالقادر قاراخان

ترجمه

عطاءالله حسنی

دانشیار دانشگاه شهید بهشتی



نگارستان اندیشه

تهران، ۱۳۹۵

سرشناسه: قاراخان، عبدالقادر، ۱۹۱۳ - ۲۰۰۰ م. Karahan, Abdulkadir
عنوان و نام پدیدآور: فضولی: محیط، زندگی، و شخصیت: حیات اجتماعی میانرودان در قرن دهم هجری /
تالیف عبدالقادر قاراخان؛ ترجمه عطاءالله حسنی.
مشخصات نشر: تهران: نگارستان اندیشه، ۱۳۹۵.
مشخصات ظاهری: ۴۳۰ ص.
شابک: ۳۰۰۰۰ ریال 978-600-8273-10-3
وضعیت فهرست نویسی: فیبا
یادداشت: عنوان اصلی: Fuzulî : muhiti, hayatı ve şahsiyeti, 1989.
عنوان دیگر: محیط، زندگی، و شخصیت: حیات اجتماعی میانرودان در قرن دهم هجری.
موضوع: فضولی بغدادی، محمد بن سلیمان، ۹۱۳؟ - ۹۷۶؟ ق. -- نقد و تفسیر
شناسه افزوده: حسنی، عطاءالله، ۱۳۳۱ - ، مترجم
رده بندی کنگره: ۳۱۴PL ۱۳۹۵ ۵۴۶ هی ۶ف /
رده بندی دیویی: ۸۹۴/۳۶۱۱
شماره کتابشناسی ملی: ۴۲۲۶۲۳۵

فضولی (محیط، زندگی، و شخصیت: حیات اجتماعی میانرودان در قرن دهم هجری)

نویسنده: عبدالقادر قاراخان
مترجم: عطاءالله حسنی
ناشر: نگارستان اندیشه
چاپ و صحافی: نسیم
طراح جلد: سعید صحابی
حروف چینی و صفحه آرایی: مرتضی انصاف‌م‌ش
نوبت چاپ: نخست، ۱۳۹۵
شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه
قیمت: ۳۰۰۰۰ تومان
همه حقوق این ترجمه برای مترجم محفوظ است

نشانی ناشر: م. انقلاب اسلامی، ابتدای خ آزادی، خ استاد بهزاد، پلاک ۲۹، واحد ۷
تلفن: ۶۶۴۳۵۴۲۳ - نمابر: ۶۶۹۴۲۵۴۲

فهرست مطالب

مقدمه مترجم	۱۱
مقدمه مؤلف	۳۱
مدخل	۴۱
۱. متون تصنیفی فضولی:	۴۱
۲. نقد منابع و بررسی اجمالی کتاب‌شناسی	۵۴
الف - نقد منابع:	۵۴
ب - کتاب‌شناسی اجمالی:	۵۷
بخش اول - عراق و بغداد در قرن دهم هجری قمری	۶۹
فصل اول - جغرافیای عراق	۷۱
۱. حدود و ثغور:	۷۱
۲. اقلیم:	۷۲
۳. رودخانه‌ها:	۷۳
۴. خاک، گیاهان، و حیوانات:	۷۸
فصل دوم - تاریخ و شهرها	۸۱
۱. تاریخ:	۸۱
الف - دوران اولیه:	۸۱
ب - عصر نخستین اسلامی و عباسیان:	۸۲
ج - مغولان تا آق‌قویونلوها:	۸۲
د - عصر صفویان:	۸۴
هـ - عثمانیان و والیان اولیه بغداد از ایشان:	۹۳
۲. شهرها:	۱۰۵

۶ فضولی؛ محیط، زندگی و شخصیت (حیات اجتماعی میانرودان در قرن دهم هجری)

- الف - بغداد: ۱۰۵
- ب - کوفه: ۱۱۱
- ج - نجف: ۱۱۲
- د - کربلا: ۱۱۳
- هـ - حلّه: ۱۱۶
- و - بصره: ۱۱۷
- فصل سوم - اوضاع سیاسی، دینی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی ۱۲۱
۱. دوران اولیه از منظر مدنیت و تاریخ دین: ۱۲۱
۲. مذاهب سیاسی و اصولی در اسلام/ جریان تصوف: ۱۲۱
۳. وضعیت مالی، بهداشتی و اجتماعی/ مدنیت و علم: ۱۲۷
۴. وضعیت سال‌های نخستین قرن دهم هجری: ۱۳۰
- بخش دوم - زندگی فضولی ۱۴۵
- فصل اول - زندگی فضولی در عصر آق‌قویونلوها و صفویان ۱۴۷
- ۱- محل و سال تولد: ۱۴۷
- ۲- نام و تخلص: ۱۵۸
- ۳- ایام طفولیت و نوجوانی: ۱۶۲
- ۴- تحصیل، جوانی، و مناسبات فضولی با رجال عصر صفوی: ۱۶۵
- فصل دوم - در دوران نخستین حاکمیت عثمانی‌ها ۱۶۹
- ۱- پس از فتح بغداد توسط سلطان سلیمان قانونی: ۱۶۹
- ۲- آشنایی با شاعران عثمانی: ۱۷۵
- ۳- فضولی و ارکان دولت: ۱۷۸
- ۴- مسئله شکایت‌نامه معروف و نشانجی مصطفی چلبی: ۱۷۹
- ۵- مکتوب احمدبیک میرلوی موصل: ۱۸۶
- ۶- درباره دریافت حق معاش توسط فضولی از عتبات عالیات: ۱۹۱
- ۷- روزهای پربار از نظر خلق آثار: ۱۹۳
- ۸- درباره محل‌های اقامت فضولی: ۱۹۴
- ۹- تماس‌های فضولی با والیان بغداد: ۱۹۵
- فصل سوم - سال‌های پایانی عمر فضولی ۲۰۱
- ۱- گله، شکایت، و پشیمانی از حال و روز و سنین پیری: ۲۰۱

فهرست مطالب ۷

۲۰۵	۲- آرزوهای تحقیق نایافته سیروسفر:
۲۰۶	۳- فضلی پسر فضولی:
۲۱۰	۴- بیماری و مرگ:
۲۱۷	بخش سوم - شخصیت فضولی - ملیت، مذهب، روان‌شناسی
۲۱۹	فصل اول - ملیت فضولی
۲۱۹	۱- ایرانی:
۲۲۰	۲- کرد:
۲۲۱	۳- ترک:
۲۲۱	الف: اشارات موجود در آثار خود فضولی:
۲۲۵	ب- تقریرات صادقی و تدقیقات مربوط به آن:
۲۲۹	ج- سندی تازه‌یاب و تحلیل آن:
۲۳۵	فصل دوم - مذهب
۲۳۶	۱- تسن:
۲۳۶	الف - علاقه به خلفای راشدین و آل و اصحاب:
۲۳۸	ب - ابراز احترام به ابوحنیفه و شریعت:
۲۳۸	ج - مدح خلیفه سنی و والیان او:
۲۳۹	د - مفتی‌زاده بودن فضولی بنابر روایت:
۲۳۹	۲- تشیع:
۲۴۰	الف - علل تاریخی و سیاسی:
۲۴۰	ب - تکیه در شیعه:
۲۴۱	ج - دلایل شیعه بودن فضولی بنابر آثارش:
۲۴۳	د - شواهد و دلایل تاریخی:
۲۴۴	۳- اهمیت مسئله مذهب:
۲۴۶	الف - ویژگی‌های تشیع:
۲۴۷	ب - مناقشه بر سر سنی بودن فضولی:
۲۵۱	ج - نقل قول‌هایی از آثار فضولی درباره شیعه بودنش:
۲۵۵	د - فضولی به عنوان شیعه‌ای معتدل‌تر از شیعه اثنی عشری:
۲۵۷	۴- پیوند فضولی با طریقت:
۲۵۷	الف - شهادت «عهدی» در این باره:

۸ فضولی؛ محیط، زندگی و شخصیت (حیات اجتماعی میانرودان در قرن دهم هجری)

۲۵۹	ب - نقل قول‌هایی از آثار فضولی:.....
۲۶۱	ج - بکتاشی‌ها و فضولی:.....
۲۶۳	د - داستان حروفی‌گری و باطنی‌گری:.....
۲۶۴	هـ - فضولی، اهل طریقتی که ذوق تصوف در او غالب است:.....
۲۶۷	فصل سوم - روانشناسی فضولی
۲۶۸	۱- تأثیر اقلیم فیزیکی و محیط متصوفانه در پرورش فضولی:.....
۲۷۱	۲- نقش تحصیلات عالیه:.....
۲۷۳	۳- مدخلی بر عشق فضولی و موضوعات عشق و مرگ:.....
۲۷۴	۴- کمال احساسات بشری، گرایش به علم و شعر:.....
۲۷۸	۵- کلام فضولی و ذوق شعری وی:.....
۲۸۱	۶- عشق فضولی:.....
۲۹۷	۷- نزدیکی به انسان‌های مظلوم و شکیبایی در برابر بلایا:.....
۳۰۲	۸- فضولی و زیب و زیور دنیا:.....
۳۰۹	۹- شکوه از طالع و نارضامندی از احوال:.....
۳۱۳	۱۰- مقایسه خود با قهرمانان داستان‌های عشقی اسلامی - شرقی:.....
۳۱۹	۱۱- اعتماد به نفس و تفاخر فضولی:.....
۳۲۳	۱۲- خصومت ورزیدن نسبت به جهال و حاسدان:.....
۳۲۷	۱۳- اجتناب از تقلید و تمایل به نوآوری و خلاقیت:.....
۳۲۹	۱۴- تحلیل روانشناختی از «شکایت‌نامه»:.....
۳۴۰	۱۵- طبیعت و مزاج فضولی:.....
۳۴۵	۱۶- مسئله بنیه جسمی فضولی:.....
۳۴۷	نتیجه
۳۵۳	اسناد.....
۳۵۵	تذکره لطیفی.....
۳۵۷	تحفه سامی.....
۳۵۸	تذکره عهدی.....
۳۶۲	تذکره عاشق چلبی.....
۳۶۳	تذکره حسن چلبی (قتالی زاده).....
۳۶۶	تذکره بیانی.....

فهرست مطالب ۹

۳۶۷	هفت اقلیم امین احمد رازی.....
۳۶۸	کنه الاخبار عالی.....
۳۶۹	تذکره صادقی: مجمع الخواص.....
۳۷۰	تذکره ریاضی: تذکره الشعرا.....
۳۷۱	تذکره فائضی: زیاده الاشعار.....
۳۷۲	لطفعلی بیک: آشکاده.....
۳۷۳	کتاب نامه.....
۳۸۲	نمایه.....

مقدمه مترجم

شاعران و ادیبان، مورخانی‌اند که بر واقعیات زمانه رنگ خیال می‌زنند و روان‌شناسان ضمیرنگاری هستند که دیوان‌ها و آثار ایشان - اعم از منظوم و منثور - شرح مکنونات آدمیان، و به مثابه منابع تاریخی‌اند؛ منابعی که روح زمانه را منعکس می‌کنند و پژوهشگر تاریخ را به فضایی می‌برند که بتواند نفس به نفس با بازیگران حوادث و امور واقع در تماس قرار گیرد و حال و هوای حاکم بر آن فضا را درک و فهم کند؛ نه آن‌گونه که خود می‌پندارد، بل، آن‌گونه که اهل زمانه درک و فهم می‌کرده‌اند.

از حُسن کار و ویژگی‌های شاعران و ادیبان، منفعل نبودن ایشان در برابر پدیده‌هاست. پدیده‌هایی که بعضاً خود از بازیگران آن بوده و تلاش کرده‌اند که از هر راه ممکن به فهم و بازتاب آن‌ها همت گمارند؛ چنان‌که فضولی خطاب به یکی از ممدوحان‌اش گفت:

ما آینه داران بد و نیک جهانیم گر نیستی آگه بگشا دیده و بنگر

هرچند که اینان بسته به شخصیت فردی، قومی، سرزمینی، یا جهانی‌ای که داشته‌اند، در فهم و بازتاب رخ داده‌ها و رنگ خیال زدن به وقایع روزگار، صلاح و منفعت شخصی یا قومی یا سرزمینی خود و یا بعضاً صلاح و منفعت نوع انسان را در نظر گرفته و مرغ اندیشه را در فراخنای آسمان حیات بشری به پرواز درآورده‌اند.

این فرهیختگان، به سودمندی تاریخ که حاصل فعل بشر بوده و تجربه جمعی آدمیان نماد ماندگار آن است، باور دارند. اگرچه خود پندآموزان پندستیز و ناصحان نصیحت‌گریزند، اما، آدمی را بیماری می‌دانند که در مقلب جان‌گزا و نفس‌گیر تب‌نوبه گرفتار آمده است و نباید خورسند به بریده شدن آنی تب و رهایی زود هنگام از چنگال آن باشد. بلکه ضرورت دارد که عود ناگزیر آن را هُش دارد و درمان ریشه‌ای آن را چاره‌اندیشد.

تجربه گذشتگان را مقتدا قرار دادن، شرط توفیق در دردشناسی و درمان‌یابی برای دردهاست. زیرا، نسل کنونی را راهی که آمده است به وضعیتی که در آن است رهنمون ساخته است. فهم چندوچون تصمیم‌گیری‌ها و کم و کیف راه و راه گذر و راهبر و انگیزه و اهداف و برنامه‌ها و نحوه بسیج امکانات و ابزار و عبور از موانع، و کوتاه سخن، خودسنجی تاریخی از ضروریات فهم وضعیت اکنون و جهت‌گیری به سوی آینده است.

محمد بن سلیمان، متخلص به فضولی، شاعر و سخن‌پرداز ایرانی قرن دهم هجری قمری در میانرودان، از جمله این ادیبان و شاعران است که آوازه‌اش در زمان حیات بلندی گرفت، و سروده‌ها و مکتوبات و مصنفات‌اش در میان فرهیختگان فرهنگ و ادب دست‌به‌دست شد. او صاحب کالایی است نه از جنس روزمرگی که از جنس جان و عصاره حیات. دُر کلام، سرمایه اوست که آن را در قالب مصاریع و اییات و جملات و عبارات، با جان‌مایه درد و حس و خیال، در هیأتی موزون یا مثنوی در بازار اندیشه عرضه کرده است، تا اندیشه‌ورزان را بر بلندای تجربت تاریخی، بدان‌گونه که خود از روی داده‌ها فهم کرده است، بنشانند و راه نماید و بصیرت افزایش دهد.

فضولی به همه ابعاد زندگی میانرودان و نقاط مرتبط، آن‌چنان‌که همگان و همعصران‌اش امکان تجربه داشته‌اند، توجه کرده و متأثر از فضای عمومی و با محوریت خویشتن خویش، بنایی از آثار پدید آورده است که آینه حیات اجتماعی، فرهنگی، سیاسی، و مذهبی عصر، یعنی قرن دهم هجری، و بیانی از آمال و آرزوه‌ای انسانی اوست. بی‌تردید، آن‌کسانی که اساس تحولات جامعه را در «فرهنگ» و بنیان‌های فرهنگی می‌جویند، مطالعه و پژوهش در چنین آثاری را قدر دانسته و غور در اعماق اندیشه‌های مضمّن در آن‌ها را مغتنم خواهند شمرد.

نویسنده بر آن است که این نوشته را مفصل‌تر به بیان آورد و جامعه کتاب بر آن پوشانند. از آن‌رو، در این جا، به اختصار می‌کوشد و مختصری از آن مفصل را به پیشگاه ادب دوستان و جامعه و تاریخ‌پژوهان پیشکش می‌نماید.

نام برآوردن فضولی به عنوان شاعر:

فضولی زاده دهه پایانی قرن نهم و درگذشته سال ۹۶۳ هجری قمری است.^۱ مرگ او با

۱. پژوهشگران زندگی فضولی، بر تاریخ قطعی تولد و مرگ او اتفاق نظر نداشته و به تفاوت بازه زمانی حیات او را از ۸۸۸ تا ۹۷۰ ه. ق. دانسته‌اند. به بحث تولد فضولی در متن همین ترجمه مراجعه کنید.

«طاعون عظیم» بغداد نزدیکی زمانی دارد که در سال ۹۶۲ ه. ق. دو بار بافاصله شش هفت ماه رخ داد. با این که فضولی، دست کم پس از در اختیار گرفتن بغداد (۹۱۴ ه. ق.) توسط شاه اسماعیل صفوی، با سرودن مثنوی بنگ و باده^۲ به نام او با دولتمردان تازه به قدرت رسیده ایران و پس از تصرف آن شهر (۹۴۱ ه. ق.) توسط سلطان سلیمان قانونی با سرودن قصیده «انیس القلب» به نام او، با دولتمردان عثمانی در ارتباط قرار گرفت، اما، چنان که از شواهد و قرائن برمی آید تا دهه ۹۵۰ هجری، نام فضولی به عنوان شاعر در ایران و مملکت عثمانی شناخته شده نبوده است. حکیم شاه محمد قزوینی که در سال ۹۲۷ هجری تذکره مجالس النفاثات امیرعلی شیر نوایی را در دربار عثمانی به فارسی ترجمه کرد و بخش «بهشت هشتم» را که مشتمل بر احوال و آثار شاعران قدیم و معاصر است بدان افزود و حتی از کسانی که در سال ۹۲۸ نیز زنده بوده اند، در نوشته خود نام برد، نامی از محمد بن سلیمان فضولی به میان نیاورده است. در ترجمه دیگری از اثر یادشده نیز، که در همان زمان توسط سلطان محمد فخری هراتی در هرات و به نام شاه اسماعیل صفوی انجام گرفت و «مجلس نهم» ای در ذکر احوال شاعران معاصر بدان افزوده شد، اشاره ای به فضولی نشده است. بوداق منشی قزوینی نویسنده جواهر الاخبار هم که در سال های ۹۳۶ تا ۹۴۱ در بغداد منشی گری و نویسندگی محمدخان شرف الدین اغلی - حاکم بغداد - را بر عهده داشته، در کتاب اش که بین سال های ۹۸۲ تا ۹۸۴ تألیف کرده، به مناسبت متن، تنها دو بیت شعر^۳ از او شاهد آورده و به ذکر نامی - مولانا فضولی - از او اکتفا کرده است.

نام فضولی، به عنوان شاعر، برای نخستین بار در عثمانی در تذکره لطیفی (تألیف ۹۵۳ ه. ق.) و همزمان در ایران در تحفه سامی^۴ (تألیف ۹۵۷ ه. ق.) ظاهر شد که ده سالی قبل از مرگ اوست و نشانگر این است که آوازه شاعری او در سنین کهن سالی در میان اهل ادب کشورهای اسلامی شیوع پیدا کرده است.

۲. این مثنوی به نظر نمی رسد در ایام فتح بغداد سروده شده باشد. در سطور آتی به این موضوع پرداخته خواهد شد.

۳. بوداق منشی قزوینی، جواهر الاخبار، مقدمه و تصحیح و تعلیقات محسن بهرام نژاد (تهران: مرکز نشر میراث مکتوب، ۱۳۷۸)، ص ۱۶۲. او می نویسد: «مولانا فضولی جهت شرف خاک کربلا رباعی دارد:

آسوده کربلا به هرحال که هست گرخاک شود نمی شود قدرش پست
برمی دارند سبحة اش می سازند می گردانند از شرف دست به دست.»

۴. سام میرزا صفوی، تذکره تحفه سامی، تصحیح و مقدمه از رکن الدین همایونفرخ (تهران: علمی، بی تا)، ص ۲۴۵-۲۴۶.

در تذکره‌های عصر صفوی و ادوار پس‌از آن که درباره فضولی سخن به میان آورده شده، ضمن درج نمونه‌هایی از اشعار او، شخصیت ادبی‌اش مورد ستایش قرار گرفته است. اما در سده نوزدهم میلادی که عصر آشنایی متفکران ایران با مفاهیم و روش‌های نقد ادبی اروپایی است، رویکرد کسانی مانند میرزا فتحعلی آخوندزاده به او ستایش‌آمیز نیست. آخوندزاده، بنابر اصول انتقادی خود که هدف شعر را «تأثیر» گذاری دانسته و «حسن مضمون» و «حسن الفاظ» را از شرایط عمده شعر قلمداد می‌کند،^۵ فضولی را «شاعر» به حساب نمی‌آورد و شعر او را از دایره شمول این هنر خارج می‌داند. برداشت آخوندزاده این است که: «... فضولی شاعر نیست و خیالاتش فاقد تأثیر است. [او] تنها یک ناظم استاد است.»^۶

به نظر می‌رسد که داوری آخوندزاده درباره کیفیت اشعار فضولی مبنای پژوهشی نداشته و صرفاً بر اساس بررسی نمونه‌هایی از اشعار او صورت گرفته باشد. زیرا، دست‌کم در تعیین معیارهای داوری در باب شعر، فضولی بر آخوندزاده حق تقدم دارد و در دیباچه دیوان فارسی‌اش همان اصولی را مورد تأکید قرار داده است که میرزا فتحعلی آخوندزاده، سیصد سال پس از او، آن‌ها را از لوازم شعر دانست. فضولی به کلام به مثابه موجودی زنده که «جان» و «تن» در آن پیوستگی و همبستگی دارند، می‌نگرد و در افتتاح سخن بر «معنی» و

۵. میرزا فتحعلی آخوندزاده، «فن کربتکاه»، مقالات، گردآورنده باقر مؤمنی (تهران: نشر آوا، ۱۳۵۱)، ص ۳۱ و ۵۸.

۶. همان، ص ۳۰. آخوندزاده از شاعران ترک منحصرأ ملا پناه واقف (Molla Pənah Vəqif 1717.1795) و قاسم بیک سراجلوی جوانشیر (Qasım bəy Zakir 1784.1857) را دارای ذوق ادبی دانسته و نوشته است: «... من در ایام سیاحت در صفحه قراباغ با قسمتی از خیالات ملا پناه واقف آشنا شدم که شرایط مذکوره [یعنی حسن مضمون و حسن الفاظ] به شکلی در آن نمایان بود و نیز به قاسم بیک سراجلوی جوانشیر برخورد کردم که الحق منظومات او در زبان ترکی باعث حیرت من شد... به عقیده من از تاریخ هجری تا امروز در میان ترک‌ها شاعر منحصر به همین دو شخص می‌باشد و یکی هم مسیحا نامی بوده است که خیالاتش کم پیدا می‌شود». همان، ص ۳۰. نکته جالب توجه این است که خود فضولی که شعر را به معشوق مانند کرده است، در دیباچه دیوان اشعار ترکی خود «حسن عبارت» را «زیور» آن می‌داند و معتقد است که کلک قضا از روز ازل در صفحه جبلت‌اش «محبت نظم» و «مودت موزونیت» را به ودیعه نهاده بوده است. آخوندزاده در نقد قدرت شاعری و ظرافت شعری از همان متری استفاده کرده است که پیشتر فضولی مدعی آن بوده است. اما، او از این نکته غفلت ورزیده است. فضولی می‌گوید:

شعر بیر معشوق دور حسن عبارت زیوری جان و دلدن نازنین محبوبلار عاشققلری

محمد بن سلیمان فضولی، دیوان ترکی، تصحیح و تحشیه امین صدیقی (تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی - دبیرخانه کنگره بزرگداشت حکیم محمد فضولی، ۱۳۷۴)، صفحه ۳ و ش.

«صورت»^۷ هر دو، تأکید می‌ورزد:

نیست مستغنی بسان جان و تن از سخن معنی و از معنی سخن
وی در ادامه، ضمن توجه به ذوق مخاطبان که ایشان را بر اساس رویکرد و فهم
شعری‌شان به «برونیان» و «درونیان» تقسیم می‌کند، «حسن عبارت» و «حسن مضمون» را
لازمه «نظم لطیف» دانسته و می‌گوید:

چه طرفه نظم لطیفست این که استادش نظام داده به حُسن عبارت و مضمون
اسیر سلسله قید او شده همه کس برونیان ز برون و درونیان ز درون^۸
اما آنچه که فضولی را بیشتر به دید آورده، از سویی توجه علویان آسیای صغیر به
اوست که فضولی را یکی از اساطین ادب و از جمله «هفت شخصیت بزرگ»^۹ که قوام و
دوامِ موارث فرهنگی‌شان مدیون ایشان است، می‌داند؛ و از سویی توجه ترکان تجددخواه
عثمانی به اوست که با گسترش تفکر منیت قومی همراه با جنبش ناسیونالیسم در قرن
نوزدهم میلادی، تلاش کردند زبان ترکی را با حذف آثار واژگانی زبان فارسی و عربی
شاخصیت بخشند و از گذشتگان بیشتر آثار ترکی‌سرایانی از قبیل امیر علی شیر نوایی و
محمد بن سلیمان فضولی را مورد توجه قرار دهند.

طبعاً این حرکت نمی‌توانست توفیق کاملی به دست آورد. زیرا، از طرفی این بزرگان
ایرانی بودند و زبان علمی‌شان زبان فارسی بود، و از طرف دیگر فهم آثار ترکی‌شان که
درصد بالایی از واژگان فارسی و عربی در آن‌ها به کار گرفته شده بود، موکول به دانستن

۷. نظریه همبستگی لفظ و معنی پیشینه کهنی دارد. ابوعثمان عمرو بن بحر جاحظ (۲۵۵ق. / ۸۶۹م). ادیب و دانشمند ایرانی که عبدالحسین زرینکوب او را از بنیانگذاران بلاغت عربی به شمار آورده است، در کتاب *البيان والتبيين* به اهمیت پیوند لفظ و معنی اشاره کرده است. نک به: عبدالحسین زرینکوب، *نقد ادبی*، ج ۱، چ ۲ (تهران: انتشارات امیرکبیر، ۱۳۵۴)، ص ۱۴۹-۱۴۸. اما، تعبیر فضولی از لفظ و معنا به مثابه جسم و روح به نظریه ابن رشیق قیروانی (مرگ ۴۶۳ ق.) می‌ماند. او در کتاب *العمده فی صناعة الشعر و نقده* می‌گوید: «الفاظ همچون جسم است و روح آن معنی. رابطه آن دو با یکدیگر همانند بستگی روح است با جسم...»

نک به: شوقی ضیف، *نقد ادبی*، ترجمه لمیعه ضمیری (تهران: انتشارات امیرکبیر، ۱۳۶۲)، ص ۸۵.
۸. محمد بن سلیمان فضولی، *دیوان فارسی*، با تصحیح و حواشی حسیبه مازی اوغلی (تهران: انتشارات دوستان، بی تا)، ص ۲-۱.

۹. (Yedi Ulu) این اشخاص عبارت‌اند از: سیدعماد الدین نسیمی، شاه اسماعیل خطایی، محمد بن سلیمان فضولی، یمینی، ویرانی، پیرسلطان ابدال، قول همت. نک به:

“Yedi Ulu,” <http://www.alevi.frankfurt.com/alevilik/alevi/7.ulu.ozan.html> [06/ 10/2014]

زبان و قواعد دستوری زبان فارسی بود. باین حال، با فروپاشی حکومت عثمانی و تغییر در نظام سیاسی و جایگزینی الفبای لاتین به عنوان خط ملی در ترکیه‌ای که میراث دار سرکش عثمانی بود، شدت نیاز به زبان فارسی در آن جامعه تخفیف پیدا کرد.^{۱۰}

فضای برآمدن و بالیدن فضولی:

چیزهایی وجود دارد که «فرد» و «جمع»ی را از دیگر «افراد» و «جماعات» متمایز می‌کند که برخی پایدارند و برخی ناپایدار. خصوصیات وراثتی، ویژگی‌های جسمی، جنسیت، وضعیت روحی، استعداد، خانواده و تبار، خصائل اخلاقی، مشرب، علم، ثروت، قدرت، منصب، منزلت، انگیزه‌ها، آرزوها و اهداف، عادات غذایی، پوشش، نیاز، بیماری‌ها، گرفتاری‌ها، روابط، جوانی، کهن سالی، دوستان، دشمنان، محیط و موقعیت جغرافیایی، محل و محله زندگی، زبان، فرهنگ، تاریخ به مثابه تجربه فردی و جمعی، دین، مذهب، نظام حکومتی، نظام اجتماعی، نظام اقتصادی، نظام ارزشی، نظام رسانه‌ای، و هرچه که به عنوان «داشته‌ها» و «ناداشته‌ها» در شکل دادن به نظام اندیشه‌ای و گفتاری و رفتاری و ارتباطی فرد و جامعه اثرگذار باشد.

فضولی در مدت عمر جز حله، بغداد، نجف، و کربلا را ندید؛ مگر در مدت احتمالاً چندساله سرگردانی و زندگی مخفی‌اش که به بصره و جزایر پناه برد.^{۱۱} او اگرچه چند بار آرزوی رفتن به تبریز و روم را به قلم آورد، اما هرگز نتوانست به این آرزوی خود جامه عمل پوشاند. وجود چنین آرزویی، بیانگر برقراری نوعی ارتباط اندیشه‌ای میان او و اهل ادب و فرهنگ و سیاست پایتخت‌های ایران و عثمانی است.

فضای فیزیکی و اجتماعی محل زندگی فضولی طبعاً در بالیدن او و ویژگی‌های شخصیتی‌اش اثرگذار بود. خود وی در مقدمه‌هایی که بر دیوان فارسی و دیوان ترکی‌اش

۱۰. علت ماندگاری هر پدیده بستگی به میزان نیاز مردمان به آن دارد. پرتو خورشید زبان و ادب فارسی مرزهای وسیعی از سرزمین‌های چین و شبه قاره هند تا آسیای صغیر و بالکان را طی قرن‌های گذشته روشنی بخشیده و وسیله تولید موارث گران‌بهایی شده است. از این رو، این زبان و فرهنگ حامل آن نه تنها در این بازه مکانی بلکه در دیگر مناطقی هم که پای مهاجران ایرانی به آن باز شده باشد و یا نیاز سیاسی - اجتماعی برای شناخت فرهنگ و تمدن این سرزمین‌ها ایجاد نماید، ناگزیر ارزش تحقیقاتی خود را برای نسل‌های امروز و فردای تاریخی حفظ خواهد کرد.

۱۱. در سطور آتی به این مسأله خواهیم پرداخت.

نوشته، به چنین واقعیتی اشاره کرده است:

از من سودازده توقع این فن [غزل] عجب است که مولد و مقامم عراق عرب است.
زیرا بقعه ایست از سایه سلاطین دور و به واسطهٔ سکان بی‌شعور نامعمور.
بوستانیست سروهای خرامانش گردبادهای صرصر سموم و غنچه‌های ناشکوفه‌اش
[کذا] قبه‌های مزار شهیدان مظلوم. بزمگاهی ست شرابش خوناب جگرهای پاره‌پاره
و نغمه‌اش ناله‌های غریبان آواره. نه نسیم راحتی را به صحرای محنت فزایش
گذاری و نه بیابان پربلایش را از سحاب رأفت امید تسکین غباری. در چنین ریاض
ریاضت غنچهٔ دل چگونه گشاید و بلبل زبان چه سراید!

ملکی که درو نیست [ز] راحت اثری هرگز فرحی نکرده بر وی گذری
مشکل که مقیمان و اسیرانش را ممکن باشد که دم زند از هنری^{۱۲}

عراق عرب:

فضولی «منشأ و مولد» و «مولد و مقام» اش را «عراق عرب» دانسته^{۱۳} و طی اشعارش به زندگی خود در نجف، کربلا، و بغداد اشاره نموده است.

نجف و کربلا:

در هیچ‌یک از آثار فضولی، به صراحت، به مدت و سال‌های اقامت وی در نجف و کربلا اشاره‌ای نشده است. او در قصیده‌ای که در منقبت حضرت علی^(ع) دارد، به اشتغال پنجاه سالهٔ خود در منقبت خوانی آن حضرت اشاره کرده و تفاوت خود با دیگر ستایشگران او را، در اقامت دائم‌اش در نجف و دریافتی و مقرری داشتن از آستانهٔ وی می‌داند:

یا امیرالمؤمنین شد مدت پنجاه سال	کز جناب حق به مدح تو فضولی ملهم است
لیک نی مانند مداحان دیگر هست دور	متصل خاک درت او را مَطاف و مَلثم است
قامتش بشکست پیری لیک دارد شکرها	زان که فرق او درین درگاه خاک مقدم است
دائم از خـوان تو ادرار مقرر می‌برد	روز و شب با چاکران آستان همدم است
پیر شد در خاک درگاه تو و بهر همین	قامت او زیر بار مَنّت دوران خم است ^{۱۴}

۱۲. فضولی، دیوان فارسی، ص ۷.

۱۳. فضولی، دیوان ترکی، باهتمام امین صدیقی، ص غ: دیوان فارسی، ص ۷.

۱۴. فضولی، دیوان فارسی، ص ۱۴۸-۱۴۹.

او در قصیده دیگری هم که در مدح «قطب الدین سلطان نظام الملک» از نظامشاهیان هند دارد و از کمک‌های او به «سگان صحن کربلا» و «سگان نجف» سخن می‌گوید، اشاره‌ای به «پنجاه سال» منقبت‌گویی خود دارد:

زر ز هند آورد هرکس برد خاک از کربلا خلق را لطفش نمود این راه دارد احتمال
کز پی تعظیم قدر او به هندستان کند اندک‌اندک کربلا را ارض بابل انتقال
... سرورا مداح شاه اولیایم مدتی ست در مناقب کرده‌ام صرف سخن پنجاه سال^{۱۵}

با توجه به چنین تصریحی، به نظر می‌رسد که فضولی بیشتر سال‌های عمر خود را در نجف گذرانده و سال‌های پایانی حیاتش را در کربلا سپری کرده باشد. او در قصیده‌ای که در منقبت امام حسین^(ع) است، از اقامت خود در کربلا سخن می‌گوید و این‌که تمایلی به ترک آن‌جا ندارد:

روزگاری شد که مأوای فضولی کربلاست نیست او را میل مأوایی ورای کربلا^{۱۶}
از مقدمه دیوان ترکی او هم این چنین برمی‌آید که تدوین آن را بعد از دیوان فارسی و در کربلا به انجام رسانده است. او پس از استعذار از «بلغای روم و فصحای تاتار» از این که در سرودن شعر و مضمون‌پردازی تابع شرایط محلی بوده و از آرایه‌ها و لطایف زبانی و ضرب‌المثل‌های ایشان استفاده نکرده، به افتخار حضور خود در خاک کربلا که آن را بر جواهرات سایر ممالک ترجیح می‌دهد، اشاره کرده و نوشته است: «... لله الحمد و المنة خاک کربلا سایر ممالک جواهریندن^{۱۷} اشرف اولدوغو معلوم دور و رتبه شعری می هر یئرده بلند ائدن حقیقته بو مفهوم دور...»^{۱۸} فضولی همین اشاره را در مقدمه^{۱۹} دیوان فارسی‌اش دارد، ولی اشعار آن مجموعه را حاصل حیات خود در نجف، کربلا، و بغداد می‌داند؛ اگرچه در همان‌جا هم بر کربلا بودن محل اقامتش تأکید دارد و می‌نویسد:

۱۵. همان، ص ۲۰۹.

۱۶. فضولی، دیوان فارسی، ص ۲۰۶.

۱۷. در کلیات دیوان فضولی «اکسیرندن» است (ص ۷)، ولی مصحح دیوان ترکی - امین صدیقی - اشاره‌ای به وجود اختلاف نسخ در باره این کلمه نکرده است (ص ف).

۱۸. فضولی، دیوان ترکی، ص ف.

۱۹. ساختار مقدمه‌های دو دیوان فارسی و ترکی یکی است و به نظر می‌آید فضولی ابتدا مقدمه فارسی و سپس مقدمه ترکی را بر اساس آن نوشته باشد. تنها مطلبی که در مقدمه فارسی وجود دارد و در مقدمه ترکی نیست، بحث مربوط به نحوه انتخاب تخلص «فضولی» است.

این نورسیدگان روزگار ندیده و این یتیمان غربت نکشیده که از خاک نجف و خطه
کربلا سر برآورده‌اند و در آب‌وهوای برج اولیا پرورده‌اند، دراثنای مسافرت به هر
جا که توجه نمایند به نظر اعتبار درآیند.
چون خاک کربلاست فضولی مقام من
نظمم به هرکجا که رسد حرمتش رواست
زر نیست سیم نیست گهر نیست لعل نیست
خاکست شعر بنده ولی خاک کربلاست^{۲۰}

شبکه ارتباطی و اجتماعی فضولی:

عناصر پدیدآورنده شبکه اجتماعی فضولی را، بد آن گونه که در آثارش انعکاس پیدا کرده،
می‌توان در دوازده دسته گروه بندی کرد:

- ۱- اعضای خانواده
- ۲- دوستان
- ۳- هم محلی‌ها
- ۴- استادان و همدرسان
- ۵- شاعران همفکر
- ۶- «من» شاعر
- ۷- سه طایفه «کاتب ناقابل و مملى جاهل»، خواننده «ناقص بدسواد»، و «حاسد جفاپیشه و معاند خطا اندیشه».
- ۸- ممدوحان از اهل قدرت و منصوبان دولتی و مقامات محلی
- ۹- خدا و پیامبر و خلفای چهارگانه
- ۱۰- امامان شیعه
- ۱۱- رهبران و همفکران مشعشی
- ۱۲- ارباب تصوف و عرفان

ممدوحان فضولی:

از نظر برخی، «طمع» لازمه شعر و شاعری است که می‌تواند، با توجه به سطوح مختلف نیاز،

۲۰. فضولی، دیوان فارسی، ص ۱۵.

به صورت‌های گوناگون تظاهر یابد.^{۲۱} سام میرزا درجایی از تذکره‌اش نمونه‌ای از اشعار مولانا زلالی هروی را آورده است که «کاغذ» را اساسی‌ترین نیاز شاعران دانسته و برای آن مرتبه‌ای «ناموسی» در نظر گرفته و میزان اهمیت آن را برای شاعر بااهمیت چادر برای زنان برابر کرده است:

بکر فکرم ناید از بی کاغذی بیرون به روز همچو ابکار بنات النعش از بی چادری
شعر فضل و شاعرآمد فاضل اما چون طمع لازم شعر است بیزارم ز شعر و شاعری^{۲۲}

به جز کاغذ که به مثابه «تفنگ» برای درکردن «تیر» است، در قلمرو «نان» و «نام» صدها نیاز وجود دارد که شاعران را به اهل «قدرت» و «ثروت» که از شیر مرغ تا جان آدمیزاد را در طبله عطاری خود موجود داشته‌اند، متمایل می‌سازد. فضولی با این که بارها تکدر خاطر خود را از خواهندگی بر زبان قلم جاری ساخته است، در طول حیات شاعری‌اش به نظر نمی‌رسد روزی را بدون مدح ممدوحی به شب رسانده باشد.

ممدوحان فضولی طیف وسیع و متفاوتی از افراد اجتماع را شامل می‌شده‌اند. پیامبر^(ص)، خلفای راشدین، امامان شیعیان، پادشاهان نظام شاهی هند و ایران و عثمانی، حاکمان بغداد از امرای ایرانی و عثمانی، روحانیون متنفذ، صدور، متولیان، والیان شرع، قضات، اطباء، و به

۲۱. ابوبکر عبدالله بن محمد بن شاهاور الاسدی معروف به شیخ نجم الدین رازی که کتاب خود با عنوان *مرصادالعباد من المبدء الی المعاد* را پس از گریختن از مهاجمان مغول، به تاریخ «روز دوشنبه اول ماه مبارک رجب... سال ششصد و بیست از هجرت به محروسه سیواس» به سلطان کیخسرو کیقباد اهدا نمود، به نیازهای ممکن اشخاص در آن روزگار اشاره کرده و از آن میان خواسته خود را از پادشاه بر زبان می‌آورد. او می‌نویسد: «... و اما آن چه ملتمس این ضعیف است در اتمام این خدمت... نه مال و جاه دنیاوی است با آن که به چنین واقعه هایل و مصیبت عام... از وطن به غربت افتاده است و از مسرت به کربت و از کثرت به قلت و از جمعیت به تفرقت، و نگویم از عزت به ذلت که عزت فقر هرگز روی مذلت نبیند...»

شها توقم از خدمتی چنین کردن	نه جبه بود و نه دستار و طیلسان و ردا
نه جاه و منصب و نه احتشام رد و قبول	نه مال و نعمت و ثروت نه رغبت دنیا
نه نیز شیر و می و انگبین نه میوه و مرغ	نه خلد و حور و قصور و نه سایه طوبی
ولی دو چیز تمنای داعیت بودست	که باز حاصل هر دو همی شود یکتا
یکی تمتع شاه جهان که دایم باد	دوم بیان مقامات و کشف دین هدی
که تا بدین دو وسیلت رسم به مقعد صدق	که هست مقصد و مقصود حضرت مولی.

نجم‌الدین رازی، *مرصادالعباد من المبدء الی المعاد*، به سعی و اهتمام حسین الحسینی النعمه‌اللهی (تهران:

سنایی، بی‌تا)، ص ۳۱۱-۳۱۰.

۲۲. سام میرزا صفوی، ص ۲۲۹.

موازات این‌ها «معشوق» که شناخته نیست، اما درد عشق‌اش سرپای وجود او را فراگرفته است.

مشعشعیان

نخستین کسانی که به اعتبار مقام معنوی، توجه فضولی را به خود جلب کردند، مشعشعیان بودند که دامنه نفوذشان از بصره و جزایر و واسط تا حویزه و شوشتر را در برمی‌گرفت.^{۲۳} با توجه به سن و سال فضولی، دوران شیفتگی او به مشعشعیان، دست‌کم باید در سال‌های حکومت سید علی و ایوب که در سرکوب شاه اسماعیل به قتل رسیدند و سید فلاح بن سید محسن (۹۲۰-۹۱۴) و سید بدران بن سید فلاح (۹۴۸-۹۲۰) بوده باشد.^{۲۴} در دیوان‌های فارسی و ترکی فضولی شعری که در مدح بزرگان مشعشعی باشد، وجود ندارد. بعید نیست که فضولی آثار چنان مدایحی را از لابلای صفحات اشعارش زدوده باشد. زیرا، به شهادت اشعار بازمانده از او، فرد و گروهی نیست که او با ایشان در ارتباط قرار گرفته باشد و به نحوی به مدح و ستایش یا قدح و ذم ایشان پرداخته باشد.

فضولی در قصیده‌ای که در مدح «خان» سروده، از وابستگی خود به مشعشعیان پرده برداشته و از آن بابت از خان طلب بخشش کرده است:

اگرچه هست گنه با مخالفان بودن از آن گناه به صد عذر کردم استغفار^{۲۵}

از قرائن پیداست که، به احتمال قوی، مقصود فضولی از «خان»، ابراهیم خان موصلو بوده است که از سال ۹۲۸ تا ۹۳۴ق. در منصب حکومت بغداد مستقر بود^{۲۶} و طی شورش‌های که از سوی برادرزاده‌اش - ذوالفقارخان - علیه او صورت گرفت، کشته شد. با پذیرش این احتمال، نکته‌ای به ذهن متبادر می‌شود و آن این است که از زمان حکومت خادم بیک خلیفه الخلفا - اولین حاکم صفوی بغداد از سال ۹۱۴ تا ۹۲۰ق. - تا حکومت ابراهیم خان، بر فضولی چه گذشته است؟ چرا نزدیک به دست‌کم ۱۴ سال پس از سپری شدن حاکمیت

۲۳. فضولی، دیوان فارسی، ص ۷۱-۷۰.

۲۴. درباره حکام مشعشعیان، نک: عبدی بیک شیرازی، تکمله الاخبار، ص ۱۴۲-۱۴۱؛ محمدعلی رنجبر، مشعشعیان: ماهیت فکری - اجتماعی و فرایند تحولات تاریخی (تهران: آگه، ۱۳۸۲)، ص ۳۰۸-۳۰۵.

۲۵. فضولی، دیوان فارسی، ص ۶۹.

۲۶. عبدی بیک شیرازی، تکمله الاخبار، با مقدمه و تصحیح و تعلیقات عبدالحسین نوائی (تهران: نشر نی، ۱۳۶۹)، ص ۵۸ و ۶۴.

صفویان بر بغداد، او وادار به توبه‌نامه نویسی شد؟ آیا در زمان سرکوب مشعشعیان توسط شاه اسماعیل که متعاقب فتح بغداد در سال ۹۱۴ق. صورت گرفت، فضولی با دولتمردان صفوی رابطه برقرار کرد؟ آیا او مثنوی بنگ و باده را که به نام شاه اسماعیل سروده، در همان سال تقدیم شاه کرد؟^{۲۷} با توجه به وجود توبه‌نامه، به نظر می‌رسد پاسخ تمام این پرسش‌ها منفی است. همچنان که قاراخان از قول صادقی کتابدار نوشته، مولانا فضولی در خدمت ابراهیم‌خان به بغداد رفت.^{۲۸} مضمون توبه‌نامه هم این سخن را تأیید می‌کند. به نظر می‌رسد، هم مثنوی بنگ و باده و هم قصیده متضمن توبه فضولی، بین سال‌های ۹۲۸ تا ۹۳۰ (مرگ شاه اسماعیل)، و ترجیحاً سال ۹۲۸ق.، یعنی نخستین سال حکومت ابراهیم‌خان بر بغداد، سروده شده باشد. این دو اثر نشانگر آغاز رابطه بین فضولی و دولت و دولتمردان صفوی است.

فضولی در این توبه‌نامه منظوم، ترس و وحشت خود را از آسیب رساندن لشکریان بر زبان می‌آورد و می‌گوید که در اثر فشار ایشان گاه به «بصره» و گاه به «جزایر» گریخته و از «مادر و پدر و یار و دیار» خود به دور افتاده است. وی می‌نویسد که به «خان» پناه آورده است تا او را از «پست کردن و کشتن» نجات دهد. او به دوستداری مشعشعیان اعتراف می‌کند و در شرایط پیش‌آمده از ایشان اعلام براءت می‌نماید و بی‌زاری می‌جوید و ایشان را «عربان درشت‌ناهموار»، «جماعت نجس‌نحس ناپسند فعال»، «بد روش و بدمزاج و بد اطوار»، «متمرد و عاصی»، «اهل نفاق»، «گمراه»، «شوم»، «سگان حشم»، «بزقمان عرب»، و «مشعشع کافر»، می‌خواند و آنان را لعن و نفرین می‌کند. فضولی نام کسانی از ایشان را از جمله «منصور» و «حافظ» و «ربیع»، به قلم می‌آورد:

من ضعیف ز روزی که زادم از مادر به غیر غصه ندیدم ز چرخ کج رفتار
فکند راعی حکمت مرا به جسم ضعیف میانه عربان درشت‌ناهموار

۲۷. ابراهیم دقوی براین باور است که پس از فتح بغداد توسط شاه اسماعیل، فضولی برای رفع اتهام حروغیگری از خود، مثنوی بنگ و باده را به نام شاه اسماعیل سرود و شراب را که شاه اسماعیل دوست می‌داشت، نماد او و اسرار (بنگ) را نماد علی بن محسن مشعشعی قرار داد و پیروزی شاه را بدین گونه به نظم درآورد. نک:

İbrahim Dakuki, "Fuzulinin Hayatı Hakkında Bazı Yeni Tesbitler ve Arapça Divanı Üzerine Düşünceler," *Fuzuli Kitabı: 500. Yılında Fuzuli Sempozyumu Bildirileri* (İstanbul: İstanbul Büyükşehir Belediyesi Kültür İşleri Daire Başkanlığı Yayınları, 1996), s. 68.

28. Abdülkadir Karahan, *Fuzuli: Muhiti, Hayatı ve Şahsiyeti* (Ankara: Milli Eğitim Bakanlığı Yayınları, 1996), s.163, 399.

جماعتِ نجسِ نجسِ ناپسند فعال
 قرارداد همه بر تَمَرَد و عصیان
 ز مدبری همه را در خطا و ضبط شعور
 ... گهی به جانب بصره گزیده راه گریز
 ... در آن میانه کشیدم عذاب تا وقتی
 کنون هم از اثر شومی همان مردم^{۳۰}
 رسید غارت لشکر فراختم نگذاشت
 به هر که روی نهادم به قصد من برخاست^{۳۱}
 به راه حضرت خان آمدم که شفقت او
 اگر چه هست گنه با مخالفان بودن
 ز اختلاط سگان حشم بریدم میل
 اگر چه داشتم اقرار بر محبتشان
 هزار لعن به منصور باد و بر حافظ
 هزار لعن بر اهل مشعشع کافر
 هزار شکر که عفو و عطای حضرت خان
 ... به بانگ طبل توکز^{۳۵} عرصه جو/ز رخاست^{۳۶}
 چشید جرعه [ای] از جام مهر تو حافظ
 فکند شعشعه عکس مهجّه^{۳۷} علمت
 چه جای خطّه واسطه چه جای سرحد بر

گروه بد روش و بدمزاج و بد اطوار
 نفاق در دل ناپاکشان گرفته قرار
 ز گمراهی همه را فتنه و فساد شعار
 گهی به سوی جزایر کشیده رخت فرار^{۲۹}
 که یافتم اثر لشکر ظفر آثار
 به من رسید زخیل و حشم بسی آزار
 ز مادر و پدرم دور کرد [و] یار و دیار
 شدند تشنه به خونم سپاهی خونخوار^{۳۲}
 ز پُست کردن و کشتن مرا دهد زنهار
 از آن گناه به صد عذر کردم استغفار
 ز شکل بزقدمان عرب^{۳۳} شدم بیزار
 چورفت ترس من امروز کی کنم انکار
 هزار لعن دگر بر ربیعۀ غدار
 که شد به فتوی ایشان ربیعۀ هم کفار
 مرا خلاصی داد از تغلب^{۳۴} فجّار
 جمیع اهل جزایر ز خواب شد بیدار
 برون شد از سر او فکر فاسد اسرار
 درون جان مشعشع هزار شعله نار
 به شُشتر و به حویزه رسید این اخبار^{۳۸}

۲۹. در اصل: قرار

۳۰. در اصل: هر دم

۳۱. در اصل: برخواست

۳۲. در اصل: خونخار

۳۳. در اصل: عربان

۳۴. در اصل: تغلب

۳۵. در اصل: گر

۳۶. در اصل: خواست

۳۷. در اصل: مهجّه

با توجه به جایگاه حضرت علی^(ع) در نزد مشعشعیان، گمان می‌رود که یکی از دلایل بسامد بالای مدایح فضولی درباره حضرت علی^(ع) وابستگی فکری او به مشعشعیان و برخی از آن مدایح حاصل ایام دوستداری ایشان بوده باشد.^{۳۹}

فضولی در حیات اجتماعی و فکری‌اش سه دوره را تجربه کرده است. دوره نخست، دوران سرسپردگی به مشعشعیان است. دوره دوم، دوره پیوند با صفویان، و دوره سوم، دوره وابستگی به آل عثمان. این، نه از روی تنوع خواهی که ناشی از فضای اجتماعی و سیاسی زمانه از یک‌سو، و شخصیت سازگار فضولی، از سوی دیگر، بوده است.

پروفسور قاراخان در تحقیق حاضر، محیط و زندگی و شخصیت فضولی را به‌عنوان سطوح تحلیل خود برگزیده و با نگاهی فراگیر ابعاد مختلف شخصیت این نماد فرهنگی عصر در میانرودان را کاویده است. تلاش محقق بر این بوده است که با روشی علمی هم خود را مصروف بررسی آثار فضولی نماید تا از آن میان چهره نزدیک به واقع او را بشناسد و گزارش کند. هرچند قاراخان از فضولی، به دلیل ترک‌زبانی، مصادره تابعیت سرزمینی کرده و شیفتگی خود را به شخصیت چندوجهی او پنهان نگه نداشته و از تفخیم و تمجیدش به هر نحو ممکن باز نایستاده است، اما نظر به استقبال جامعه دانشگاهی و چاپ‌های مکرر اثر او در چند دهه اخیر، این اثر از جمله مطرح‌ترین آثار پژوهشی درباره فضولی به شمار می‌رود.

از این رو، شایسته است ایرانیان نیز که هم‌وطن تاریخی فضولی‌اند، ابعاد گوناگون فکری و شخصیتی‌اش را که به‌مثابه یک سرمایه اجتماعی برای ایشان و همسایگان ترک و عرب است، بشناسند و بر ظرایف فکری او که تکیه بر مشترکات فرهنگی مردمان منطقه دارد،

۳۸. فضولی، دیوان فارسی، ص ۷۱-۷۶.

۳۹. ابراهیم دقوقی بر این باور است که فضولی در فضایی پرورش یافت (حله، نجف، کربلا، بغداد) که تحت تأثیر آموزه‌های مشعشعیان بود. او اشعاری به عربی سرود که همان گونه که برتلس بر آن است، در مدح علی بن محسن بن محمد بن فلاح (۹۱۴-۹۰۵) بوده و نه علی بن ابیطالب. بنابر تحقیقات برتلس، ۱۱ قصیده عربی (۵۰۰ بیت) موجود در کلیات او که در لنین‌گراد نگهداری می‌شود، برای علی بن محسن حاکم مشعشعی سروده شده است و مشحون از الفاظ و مفاهیم مشعشعی است. مانند تشعشع، موالی، دور، انتقال، ابهام، امام، سلطان الولایه، آیه الکبری، هدی، بقاء، علم المحتفی، حامل الامانه، نوراللامع، عرش، حال، روح المقدس، فلک، سرالتشعشع، وصل و خلود. نک:

İbrahim Dakuki, "Fuzulinin Hayatı Hakkında Bazı Yeni Tesbitler ve Arapça Divanı Üzerine Düşünceler," s. 54-55.

اشراف یابند.

بدیهی‌ست برتری آثار نویسندگان و شاعران چندزبانه نسبت به سایر اهل قلم، در همین ویژگی ایشان نهفته است که نظر به شرایط پیچیده جامعه چند قومی و چند فرهنگی، در طرح مسائل اندیشه‌ای راهی میانه یا جهان‌شمول را برگزیده‌اند و با ابتناء بنیان‌های فکری خود بر مشترکات فرهنگی و حتی‌الامکان پرهیز از طرح اختلافات، مقبول طبع همگان قرار گرفته‌اند. اهمیت به دید آوردن چنین ویژگی‌هایی، به‌ویژه در جامعه‌هایی که طیف‌هایی از افراط و تفریط در آن‌ها وجود دارد و می‌تواند مردمان را به آستانه کشمکش‌های فرهنگی و اجتماعی بکشاند، بر اهل نظر و عمل در حوزه مدیریت فرهنگی و اجتماعی پوشیده نیست. فضولی نویسنده و شاعری است سه‌زبانه. تولید آثار فکری به زبان‌های فارسی، ترکی، و عربی توسط وی، نه صرفاً از باب تفاخر بر همگان، که یک ضرورت اجتماعی بوده است. او در حوزه میان‌رودان که، صرف‌نظر از تعلق سیاسی، موقعیتی محوری در میانه فرهنگ‌های ایرانی، ترکی، و عربی داشت و اجتماعاتی از هر سه فرهنگ را در خود جای‌داده بود، زندگی می‌کرد. از این نظر، رفتارشناسی او در فضای عمومی آن روزگار، که در آینه آثارش نمایان است، از اهمیتی تاریخی و مردم‌شناختی برخوردار است.

خدای را سپاس می‌گزارم که توفیق برگرداندن این اثر تحقیقی را به من داد. از آقای محمدعلی شعاعی مدیر محترم وقت دفتر مطالعات بین‌المللی سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی برای فراهم آوردن زمینه‌های کار تحقیق و ترجمه سپاسگزارم. نیز، از آقای دکتر صادق حیدری‌نیا مدیرمسئول و صاحب‌امتیاز محترم انتشارات نگارستان اندیشه که این کتاب را به زیور طبع آراست، تشکر می‌نمایم. چند تن از دوستان، از جمله آقایان دکتر وهاب ولی و دکتر محمدتقی امامی و دکتر شهاب ولی به هنگام ترجمه اثر از راهنمایی مترجم دریغ نورزیدند، که منت دار ایشانم و آرزوی سلامتی و توفیقشان را دارم.

درباره فضولی در زبان فارسی کتاب‌هایی انتشار یافته است (نک: محمد مهدوی‌فر. کتابشناسی فضولی بغدادی شاعر ایرانی قرن دهم. تهران: کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۷۲) و فرهیختگانی نام آشنا درباره او قلم زده یا به تصحیح و تدوین یا ترجمه آثارش پرداخته‌اند؛ دکتر عبدالرسول خیامپور، استاد محمد محیط طباطبایی، دکتر حمید نطقی، دکتر جلیل تجلیل، دکتر حسین محمدزاده صدیق، آقای فیروز منصوری، دکتر علی‌اصغر شعر دوست، دکتر مریم مشرف، دکتر تقی پورنامداریان، آقای امین صدیقی، آقای میرصالح

حسینی، آقای عباسعلی یحیوی، آقای رسول اسماعیل زاده از جمله این فرهیختگانند. در ترکیه، اما، پیش و بیش از ایران به فضولی و آثار او پرداخته شده است. اگر قرن بیستم میلادی را در ترکیه «قرن شناخت فضولی» بنامیم، سخنی به گزاف نگفته ایم. اما تحقیق پروفسور قاراخان ویژگی خود را دارد؛ علاوه بر این که در ادبیات فضولی شناسی از اولین هاست، جامع نگری و رویکرد علمی مؤلف به آن شاخصیت داده است. این اثر دانشگاهی با وجود عمری پنجاه ساله هنوز قابل اعتنا و توجه است و در ترکیه با استقبال کم نظیری روبرو گردیده است. به گونه ای که تنها سه چاپ آن که در سال های ۱۹۸۹ و ۱۹۹۵ و ۱۹۹۶ صورت گرفته، در ۲۲۰۰۰ هزار تیراژ نشر یافته است.^{۴۰}

مرحوم دکتر عبدالرسول خیامپور در معرفی اثر پروفسور قاراخان، حق تقدم دارد. او در مقاله ای با اشاره به سیاست جدید نشریه دانشکده ادبیات تبریز در توجه به نشریات کشور ترکیه، نوشت: «... نشریه دانشکده در نظر گرفته است من بعد از این قسمت انتشارات ترکیه به قدر مقدور بحث کند و آثاری را که با تاریخ ادبیات ایران مناسبتی دارد معرفی نماید.» وی سپس به معرفی اثر عبدالقادر قاراخان پرداخته و مطالب سه بخش کتاب را در ده صفحه تلخیص نمود. خیامپور با توجه به تقریض استاد دکتر علی نهادتارلان، در اهمیت اثر نوشت: «مؤلف... رنج فراوانی برده و در تحقیق و تدقیق مطالب و گرفتن نتایج از مقدمات جانب احتیاط را کاملاً مرعی داشته و به یک کلمه با اسلوب جدید علمی پیش رفته اند... به شهادت استاد معظم له هیچ یک از آثاری که تا کنون درباره فضولی نوشته شده است به پای این اثر نمی رسد و این رساله در فوق تمام آن ها قرار گرفته است.» نک: عبدالرسول خیامپور، «فضولی، محیط زندگی و شخصیت او»، نشریه دانشکده ادبیات تبریز، س ۳، ش ۲-۱، سال ۱۳۲۹، ص ۹۷-۱۱۰).

من، به هدف توسیع مطالعات فرهنگی - اجتماعی خود در تاریخ عصر صفوی، کمی پیش تر از آن که در سال ۱۳۷۵ با مرحوم پروفسور قاراخان در منزل اش در استانبول دیدار کنم و او نسخه ای از کتاب اش را درباره فضولی به من هدیه دهد، به تحقیق در آثار فضولی شروع کرده بودم. دیدار با او علاقه ام را به فضولی بیش تر کرد. در سال ۱۳۷۹ ترجمه مطلع الاعتقاد فی معرفه المبدأ والمعاد را به پایان بردم که انتشارات الهدی در همان سال

40. Abdülkadir Karahan, *Fuzuli: Muhiti, Hayatı ve Şahsiyeti* (Ankara: T. C. Kültür Bakanlığı Yayınları, 1989, 1995. Ve Abdülkadir Karahan, *Fuzuli: Muhiti, Hayatı ve Şahsiyeti* (Ankara: Milli Eğitim Bakanlığı Yayınları, 1996).

منتشر کرد. سپس متوجه شدم که کتاب تحقیقی قاراخان دربارهٔ فضولی با همهٔ کهن سالی نسبت به تحقیقات دیگر جامع‌تر است و بیش‌تر مورد استقبال جامعه قرار گرفته است. از این‌رو آغاز به ترجمهٔ اثر او کردم.

در برگرداندن متن حاضر، که از چاپ ۱۹۹۶ اثر صورت گرفته است، تلاش کرده‌ام به قلم و فکر محقق و نقل‌قول‌های منظوم و منثور از خود فضولی، وفادار بمانم. در نقل‌قول‌های مستقیم از آثار فضولی، عین مطلب را از آثار مربوط برداشته‌ام تا اصالت کلام حفظ شود. پروفیسور قاراخان گاهی از صفات تکریمی، به‌نوعی مبالغه‌آمیز، استفاده کرده است. من این شیوه را نمی‌پسندم. ولی، در جایگاه مترجم ناچار بوده‌ام به متن وفادار بمانم. برای تسهیل امر مقابله، پاراگراف‌بندی متن اصلی را، مگر در موارد استثنائی، رعایت کرده‌ام و، به شیوهٔ مألوف مصححین نسخ خطی، عدد صفحات متن ترکی را که نشانگر پایان هر صفحه هست، در متن ترجمه بین دو قلاب قرار داده‌ام. این امر، کار خوانندگان علاقه‌مندی را که مایل به مقایسهٔ متن اصلی و ترجمه باشند، راحت‌تر می‌کند. به‌جای واژگان دخیل لاتینی که مؤلف از املای ترکی آن‌ها استفاده کرده، اصل خارجی آن‌ها را در زیرنویس آورده‌ام. عناوین فرعی را، با توجه به فهرست مطالب، در داخل متن افزوده‌ام. سایر افزوده‌ها، که باهدف اصلاح، توضیح، و تبیین صورت گرفته، چه در متن چه در زیرنویس، با ذکر کلمهٔ (مترجم) یا قرار دادن مطلب در میان دو قلاب []، به استحضار خوانندهٔ محترم رسانیده شده است. اشعار ترکی متن را که نزدیک به چهارصد بیت است، در عین وفاداری به‌صورت و مضمون، در حدّ توان، به شعر فارسی برگردانده‌ام. این نه از باب دعوی شاعری است. بلکه دریافت من این است که در شعر حسن و حالی هست که هنگام برگرداندن آن به نثر از دست می‌رود. این را از برخی نمونه‌های به شعر درنیامده می‌توان دریافت. ارجاعات داخل متن و اشعار ترکی ترجمه‌شده را، به هدف تسهیل در مطالعه، به زیرنویس انتقال داده‌ام و به‌ندرت برخی اشعار زیرنویس را به متن منتقل کرده‌ام. برای بهره‌جویی کامل هم‌زبانان ترک و محققان محترم، اصل اشعار ترکی متن را به زیرنویس برده و جهت مطالعه و مقابله از حذف آن‌ها به بهانهٔ ترجمه خودداری کرده‌ام. از موارد ترجمه نشده، یادداشتی است چهارصفحه‌ای از مؤلف بر این چاپ که جنبهٔ خبررسانی دارد، و پیش از مقدمه قرار داده شده است.

بی‌عیب خداست. چه افتخاری بالاتر از این نویسنده‌ای را که خوانندگان فرهیختهٔ اثرش

۲۸ فضولی؛ محیط، زندگی و شخصیت (حیات اجتماعی میانرودان در قرن دهم هجری)

بر او منت گذارند و او را بر خطاهایش بیگاهانند و دیگر خوانندگان را، به نحو مقتضی، در جریان این لغزش‌ها قرار دهند.

عطاءالله حسنی

دانشیار دانشگاه شهید بهشتی

تهران - اردیبهشت ۱۳۹۵

کتاب‌نامه سخن مترجم:

- آخوندزاده، میرزا فتحعلی. «فن کربتکا». مقالات. گردآورنده باقر مؤمنی. تهران: نشر آوا، ۱۳۵۱.
- رازی، نجم‌الدین. *مرصادالعباد من المبدء الى المعاد*. به سعی و اهتمام حسین الحسینی النعمه‌اللهی. تهران: سنایی، بی‌تا.
- زرین‌کوب، عبدالحسین. *نقد ادبی*. ج ۱. چ ۲. تهران: انتشارات امیرکبیر، ۱۳۵۴.
- شیرازی، عبدی بیک. *تکمله الاخبار*. با مقدمه و تصحیح و تعلیقات عبدالحسین نوابی. تهران: نشر نی، ۱۳۶۹.
- صفوی، سام میرزا. *تذکره تحفه سامی*. تصحیح و مقدمه از رکن‌الدین همایونفرخ. تهران: علمی، بی‌تا.
- ضیف، شوقی. *نقد ادبی*. ترجمه لمیعه ضمیری. تهران: انتشارات امیرکبیر، ۱۳۶۲.
- ت فصولی، محمد بن سلیمان. *دیوان ترکی*. تصحیح و تحشیه امین صدیقی. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی - دبیرخانه کنگره بزرگداشت حکیم محمد فصولی، ۱۳۷۴.
- _____ *دیوان فارسی*. با تصحیح و حواشی حسیه مازی اوغلی. تهران: انتشارات دوستان، بی‌تا.
- منشی قزوینی، بوداق. *جواهر الاخبار*. مقدمه و تصحیح و تعلیقات محسن بهرام نژاد. تهران: مرکز نشر میراث مکتوب، ۱۳۷۸.
- Dakuki, İbrahim. "Fuzulinin Hayatı Hakkında Bazı Yeni Tesbitler ve Arapça Divanı Üzerine Düşünceler," *Fuzuli Kitabı: 500. Yılında Fuzuli Sempozyumu Bildirileri* (İstanbul: İstanbul Büyükşehir Belediyesi Kültür İşleri Daire Başkanlığı Yayınları, 1996), s. 53-68.
- Karahan, Abdülkadir. *Fuzuli: Muhiti, Hayatı ve Şahsiyeti*. Ankara: T. C. Kültür Bakanlığı Yayınları, 1995.
- Karahan, Abdülkadir. *Fuzuli: Muhiti, Hayatı ve Şahsiyeti*. Ankara: Milli Eğitim Bakanlığı Yayınları, 1996.
- "Yedi Ulu." <http://www.alevi-frankfurt.com/alevilik/alevi/7-ulu-ozan.html> [06/ 10/2014]

* شرح حال مختصری از نویسنده و امضا و دست خط او به مترجم^{۴۱}

عبدالقادر قاراخان، مورخ ادبی بود. وی در یکم سپتامبر ۱۹۱۳م. شمسی در سیورکِ شانلی اورفا زاده شد و در ۲۸ جولای ۲۰۰۰م. شمسی در استانبول درگذشت. او فرزند ملا حاجی ذوالفقار قاراخان بود. پدرش از فضلالی عصر خود بود که به هنگام زیارت خانه خدا، در حجاز، دار فانی را وداع گفت. عبدالقادر تحصیلات دبیرستانی‌اش را در شهر ازمیر گذراند و مدرک دانشگاهی‌اش را از گروه زبان و ادبیات ترکی دانشگاه استانبول و مدرسه عالی تربیت‌معلم اخذ کرد. او از سال ۱۹۳۹ تا ۱۹۴۷م. در دبیرستان‌های شهرهای سامسون و ازمیر تدریس نمود. وی پس از اخذ مدرک دکتری در سال ۱۹۴۵م. از سال ۱۹۴۷م. به‌عنوان استادیار ادبیات ترکی و شرح متن، وارد دانشکده ادبیات دانشگاه استانبول گردید. او در سال ۱۹۵۰م از مؤسسه فونتیکیس و مدرسه آموزش و توسعه تربیت‌معلم دانشگاه سوربن فرانسه فارغ‌التحصیل شد و پس از بازگشت به ترکیه، در سال ۱۹۵۹ دانشیار شد و در ۱۹۷۳ به مقام استادی نائل آمد و سرانجام در ۱۹۸۳ بازنشسته شد. او یکی از ۱۴۷ نفر استادانی بود که پس از کودتای ۲۷ ماه می ۱۹۶۰ از دانشگاه اخراج گردیدند. قاراخان

۴۱. شرح حال پروفیسور قاراخان ترجمه به اختصار و افزوده مترجم است.

۳۰ فضولی: محیط، زندگی و شخصیت (حیات اجتماعی میانرودان در قرن دهم هجری)

اولین شعرش را با عنوان «خورشید شب در دجله» در سال ۱۹۳۱ در حالی سرود که دانش‌آموز بود و در دیاربکر تحصیل می‌کرد. شعر او در مجله ثروت فنون به چاپ رسید. او کتابخانه‌اش را که شامل ۷۰۰۰ جلد کتاب و ۱۵۰ دوره مجله بود، در سال ۱۹۹۲م. به دایره بخش خصوصی شانلی اورفا اهدا کرد تا به نام خود او در آنجا کتابخانه‌ای تأسیس نمایند. * آثار: اشعار: برآمدنگاه خورشید (۱۹۳۴). تحقیقات: مکتوبات فضولی (۱۹۴۸)؛ فضولی، محیط، حیات، و شخصیت‌اش (رساله دکتری، ۱۹۴۹ با چاپ‌های مکرر)؛ نابی (۱۹۵۳)، با تجدیدنظر (۱۹۸۷)؛ نفعی (۱۹۵۴)، با تجدیدنظر (۱۹۸۶)؛ چهل حدیث در ادبیات ترک - اسلام (۱۹۵۴)؛ فاتح و عونی شاعر (۱۹۵۴)؛ فضولی شاعر سه زبانه (به زبان فرانسوی ۱۹۵۹)؛ ترجمان الامم (۱۹۶۲)؛ کنگره جهانی حرفه معلمی (۱۹۶۵)؛ فغانی و دیوانچه او از شعرای عصر سلطان سلیمان قانونی (۱۹۶۶)؛ برگزیده اشعار نفعی (۱۹۷۱)؛ گلچینی از آه‌نامه‌های موزه توفقای سرای (۱۹۷۱)؛ دکتر محمد اقبال و گلچینی از آثار او (۱۹۷۴) و با نام اقبال صدای شرق (۲۰۰۱)؛ ارمغانی برای محمدعلی جناح (۱۹۷۷)؛ چهل حدیث (۱۹۷۷)، به چهار زبان با تصاویر (۱۹۸۶)؛ تحقیقاتی درباره ادبیات کهن ترک (۱۹۸۰)؛ چهل گوشواره زرین (۱۹۸۷)؛ حافظ شیرازی و گلچینی از اشعار او (۱۹۸۸)؛ شانلی اورفا و سمپوزیوم پروژه جنوب شرق آناتولی (۱۹۸۸)؛ فرهنگ و ادبیات ترک (۱۹۸۸)؛ محمد شوکت اورفایی و اشعارش (۱۹۹۱)؛ شاعران کهن در عصر سلطان سلیمان قانونی (به زبان فرانسوی ۱۹۹۱).

<http://www.kultur.gov.tr/EN.38182/karahan-abdulkadir.html> [1/25/2016]

FUZULÎ MUHİTİ, HAYATI VE ŞAHSİYETİ

صاحب عطاء الله حنی بده

۱۰ آبی تمسک
1.7.1994

مقدمه مؤلف

برکسی پوشیده نیست که تا سال‌های اخیر، بررسی و تدقیق در زبان و ادبیات اسلامی ترک، بر اساس تحلیلی تطبیقی و نظام‌مند و تفکری انتقادی و ترکیبی، صورت نگرفته است. امروزه نیز، از حل مسائل فراوانی که در زمینه هنر و اندیشه وجود دارد و از زدودن ابهام‌هایی که بر حیات و شخصیت بسیاری از نوابغ گذشته شعر و ادبیات ما سایه افکنده است، غفلت ورزیده می‌شود و در این راه از دانش آکادمیک و روش‌های نوین تحقیق، در پرتو مساعی جمیله و صبورانه، بهره‌ای گرفته نمی‌شود. اگر پژوهشگران انگشت‌شمار مرتبط با دانشکده ادبیات دانشگاه و تعداد بسیار اندکی از علاقه‌مندان هم خود را با آن چه که ادبیات کلاسیک ترک یا به تعبیر بهتر «ادبیات دیوان» نامیده می‌شود، سرگرم نکنند، این نوع ادبیات با همه غنا و زیبایی و ظرافتی که دارد، در پسِ پشتِ مرزهای مطالعات نوین و روش‌مند و گسترده، جا خواهد ماند. به هر حال، علی‌رغم این که ادبیات دیوان به نحو شایسته‌ای انعکاس داده نمی‌شود و در اثر برخی ضرورت‌ها و عرف و عادات، صدمه‌های بسیاری به یکرنگی آن وارد می‌شود، بزرگ‌ترین ثروت معنوی مردم ما و خوشبختی‌ها یا بدبختی‌های آنان، همچون صدای شُرُشُر آب، از طریق نوای ششصد ساله این ادبیات در گوش جان می‌پیچد. این محیط ادبی نه تنها به ملت ترک بلکه، از نگاهی دیگر، به تمام مردم جهان تعلق دارد. زیرا، همین محیط است که، هرازگاهی، هنرمندان بزرگی را پرورش داده و به جامعه بشری تقدیم کرده است. نویسنده بر این باور است که در این سال‌های میانی قرن بیستم، قبل از هر اقدامی، به عنوان یک وظیفه و حتی به عنوان یک دین، ضرورت دارد که دارایی‌های کهن ادبی، به مثابه معادن زیرزمینی اکتشاف و با کار فکری مناسب و به اساسی‌ترین وجه ممکن به جوانان کشور و افکار عمومی معرفی و در بازار ثروت ملی عرضه گردد.

فضولی - شاعر دل‌ها - که زندگی و شخصیت او موضوع تحقیق رساله دکتری نویسنده بوده است، از شاعران درجه یک و بی‌نظیر ادبیات کهن ما و نابه‌صف نخست ادبیات جهان

در هنر متعالی تصوف، به شمار می‌رود. البته، ترجیح دادن تحقیق در زندگی و شخصیت فضولی، باعنایت به مسائل مورد بررسی قرار نگرفته‌ای که هنوز در حوزه ادبیات ما وجود دارد، مبتنی بر دلایلی چند است.

نویسنده ناچار از بیان این مطلب است که در این زمینه باوجود این‌که از قدیمی‌ترین تذکره‌نویس‌ها و برخی مورخان و کتاب‌شناسان گرفته تا جدیدترین و آخرین پژوهش‌گران، به زندگی فضولی [۱۵]^{۴۲} توجه نموده و همواره او را به‌عنوان شاعری پرجوش و خروش و الهی ستوده‌اند، اما متأسفانه درباره این نابغه سرآمد، متناسب با عظمت او، حتی یک اثر جامع و اساسی پدید نیاورده‌اند.

از میان پژوهندگان خارجی نیز برخی از کسانی که دوستدار وی هستند، در مطالعاتشان، از او با شیفتگی سخن گفته و بزرگاش داشته و یا درباره اش آثاری فراهم آورده‌اند، اما این‌ها هم بسنده و کامل نبوده است؛ به‌ویژه این‌که روح ادبیات دیوان، به‌درستی و از جنبه‌های مختلف، بررسی نشده و این مهم همواره نیمه‌کاره و ناقص رها شده است.

درباره پژوهش‌هایی که تاکنون انجام گرفته، صرف‌نظر از یکی — دو استثناء، می‌توان این‌گونه اظهارنظر کرد: دسته‌ای از مطالعات، دچار جمود فکری و یا احساسی، شتاب‌زده، و سطحی هستند و مدعیات بی‌پایه و اساس بر آن‌ها سایه افکنده است. دسته‌ای نیز به تکرار یا بسط دیدگاه‌ها و افکار موجود در مطالعات دسته نخست پرداخته، و یا این‌که به تحلیل و ترکیب داده‌های محدود و بعضاً متناقض موجود در منابع اصلی، اکتفا نموده‌اند و مستندات و مدارک عینی روان‌شناختی مسطور در آثار خود شاعر را، به صورتی اساسی، با اطلاعات ارائه‌شده در منابع مطابقت نداده و از نظر نگذرانده‌اند. از میان آثار معروف فضولی، معمولاً، به دیوان ترکی، شکایت‌نامه، و لیلی و مجنون مراجعاتی سطحی شده و برخی روشنگری‌ها به‌عمل آمده است. اما، آثاری مانند دیوان فارسی، بنگ و باده، و هفت جام (ساقی‌نامه)، موردعنایت قرار نگرفته است و هنوز جز نامی از انیس‌القلب شنیده نشده و کسی حتی مصراعی از آن را هم موضوع بحث خود قرار نداده است. گذشته از این، عموماً موضوع بحث این‌گونه پژوهش‌ها زندگی و آثار فضولی بوده و شخصیت، و به‌ویژه روانشناسی وی، در ابهام گذاشته‌شده و بررسی نشده است. نویسندگان، در بخش نقد منابع و قسمت

۴۲. اعداد داخل [] در سراسر متن نشانه صفحات متن اصلی کتاب است که امکان مقابله ترجمه را برای خوانندگان محترم فراهم می‌کند.

کتابشناسی، آن چه را که تا به امروز، در شرق و غرب جهان، به این موضوع پرداخته‌اند، از نظر گذرانیده و ارزیابی خواهد کرد. خوانندگان با مطالعه آن بخش، بی‌گمان، حق را به نویسنده خواهند داد.

باری، با این انگیزه که [۱۶] همگان فضولی را بزرگ می‌دارند، اما هنوز ابعاد شخصیتی این قهرمان ادبی ناشناخته باقی مانده است، نویسنده گام در عرصه این تحقیق نهاد؛ گامی که در آن، با بهره‌گیری از اصول روش‌های علمی تاریخ ادبیات و نیز نوآوری‌های متناسب با موضوع تحقیق، بر ضرورت تلاش مستمر تحقیقاتی تأکید می‌شود. در این راه لازم است، با اساس قرار دادن تألیف‌های خود فضولی و در نظر داشتن دیدگاه‌های ادبی زمان شاعر، داده‌های موجود در آن تألیف‌ها با مطالب دیگر منابع ادبی - تاریخی مطابقت داده شود و موردسنجش قرار گیرد. بی‌تردید، با این اقدام، هر حاصلی که به دست آید به سود ادبیات ملی ما خواهد بود.

در سال‌های اخیر، آثار کلاسیک جهان، و در آن میان آثار کلاسیک ترک در کشور ما، موردتوجه و اقبال واقع شد. این نیز ازجمله عواملی بود که در انتخاب فضولی، برای پژوهش دربارهٔ حیات او، مؤثر افتاد. اقدامی که وزارت فرهنگ ملی ترکیه از سال ۱۹۴۱م. بدین سو، با عنوان «سلسله ترجمه‌های ادبیات جهان» صورت داده است، حکایت از یک بیداری پرخیز و برکت دارد. امید می‌رود، با ترجمه آثار کلاسیک فرانسه، آلمان، انگلیس، و روس و در کنار آن ترجمه و نشر آثار کهن شرق - اسلام و برگردان «متون کلاسیک ترکی» به [خط و] زبان امروزی، و توجهی که ناشران خصوصی به نشر آثار نویسندگان شرق و غرب جهان پیدا کرده‌اند، و نیز علاقه‌ای که به این حرکت نشان داده می‌شود، توجه نسل جوان کشور به آثار کلاسیک خود تنها در حد اظهار علاقه باقی نماند و این اقدام‌ها وسیله و آغازی شود برای پرورش انسان‌های علاقه‌مند تا که عمرشان را در این راه صرف نمایند. اگرچه طی سال‌های اخیر نخستین نشانه‌های توجه و تلاش را دربارهٔ فضولی می‌توان مشاهده کرد، اما این تلاش‌ها، هنوز، متناسب با خواسته‌ها و برآورده آرزوهای ما نیست. ازاین‌رو، ما نیز با برداشتن گامی، به کاروان ره پویان این راه پیوستن خواستیم؛ با این گمان که شاید برای آن کسانی که حس خدمتگزاری به اندیشه و هنر کشورمان را دارند و در فضولی، که با تلاش پیگیر توانسته است به استعداد ذاتی‌اش وحدت بخشد، چهرهٔ یک نمایندهٔ واقعی شعر و عشق و اندیشه و اخلاق و فضیلت را یافته و با اشتیاق و آرزویی ژرف و شوقی وافر، به هنر عطف توجه بیشتری می‌نمایند، [۱۷] سودمند واقع شویم.

اکنون، با توجه به جهت‌گیری‌های گوناگونی که در شعرمان پدید آمده است، در این مرحله‌ی گذار، نیازمان به منابع اصیل هنری بیشتر آشکار می‌شود.

برای افزودن بر انگیزه و اسباب کار، باید همیشه نقش مهم ادبیات و هنر را در تأسیس ملت، جای‌گیر خاطر و خیال خود نماییم و میل به تدقیق و تحقیق در شخصیت فضولی را، که نماینده‌ی قدرتمند وحدت اندیشه و احساس و ذوق و زیبایی ترکان و به‌مثابه یکی از فرزندان این آب‌وخاک و درعین‌حال بزرگ‌ترین هنرمند کشور است، افزایش دهیم. این‌که بیگانگان، باوجود غیب و نقصی هم که ممکن است در تحقیقاتشان وجود داشته باشد، بیش از ما درباره‌ی وی به تحقیقات وسیع دست‌زده و حاصل کارشان را به چاپ می‌رسانند، البته بر عزت ملی ما گران می‌آید. ازاین‌پس، کودکانمان درحالی‌که دوران کودکی و نوجوانی‌شان را سپری می‌کنند، *حذیقہ السعدی* و *دیوان فضولی* را، پی‌درپی، در دستان پدران‌شان خواهند دید و پیچیدن نام او را در فضای منازل خواهند شنید و شوق‌و‌ذوق ناشی از آن را حس خواهند کرد و، درنهایت، جاذبه‌ی طبیعی عشق الهی با شعر غنایی- مرثیه‌ای وجودشان پیوند خواهد خورد. وجود تمامی این دلایل بود که مرا، از خیلی پیش‌تر یعنی از دوران تحصیل در دوره‌ی راهنمایی، به شخصیت فضولی علاقه‌مند کرد. ازاین‌رو، توانستم در برخی مجموعه‌ها مقالاتی درباره‌ی او انتشار دهم و سرانجام نیز عنوان «محیط، زندگی و شخصیت فضولی» را برای موضوع رساله‌ی دکتری‌ام در رشته‌ی ادبیات برگزینم. این اثر، حاصل سه سال تلاش پیگیر تحقیقاتی است. اگرچه به همان اندازه که کار تحقیق دشوار بود شوق‌و‌ذوق تحقیق هم زیاد بود، اما این‌که حاصل کار حاکی از چه میزان توانایی به خرج دادن است، قضاوتی است که خود محقق نمی‌تواند در آن باره اظهارنظر کند.

در توضیح شیوه‌ی تحقیق خود، باید اشاره‌کنم که برای وارد شدن به زندگی و شخصیت فضولی از دو طریق اقدام شد. نخست آن‌چه را که ضرورت داشت از آثار او انتخاب کنیم، تا جایی که می‌شد تلاش کردیم آن‌چه را که از قلم او تراویده، و یا نزدیک‌ترین به قلم اوست، برگزینیم. سپس، کوشیدیم تمام منابع و تحقیقات موجود قدیمی و جدید داخل و خارج از کشور را، که مربوط به فضولی است، جمع‌آوری نماییم. [۱۸]

چون در تمام چاپ‌های کلیات فضولی، از جنبه‌های مختلف، نادرستی‌ها و افتادگی‌هایی دیده می‌شد، برای دستیابی به متنی منقح بدین گونه عمل شد: ابتدا محل‌های نگه داری نسخه‌های خطی مهم آثار فضولی شناسایی و سپس عین یا عکس آن‌ها فراهم آورده شد و، در مواضعی که مورد استفاده قرار می‌گرفت، مقابله به عمل آمد و صحت و مورد اطمینان

بودن آن‌ها احراز گردید.

برای عملی کردن این فکر، در تاریخ ۲۵ دسامبر ۱۹۴۲ با نوشتن مکتوبی به رئیس دایره ازمیر، از وی درخواست همکاری شد. در پی آن، از ازمیر در تاریخ ۱۵ ژانویه ۱۹۴۳ با تمام دوایر ولایات مکاتبه و درباره وجود تعداد نسخ خطی موجود از دیوان فضولی در کتابخانه‌های آن جا، پرسش شد و از ایشان خواسته شد که شرح مناسبی درباره آن‌ها بدهند و از میان آن‌ها عکس، فتوکپی، یا در صورت امکان دست نویس‌های تمام نسخه‌هایی را که تاریخ استنساخشان به پیش از سال ۱۵۰ ق. / ۱۷۳۷ م. باز می‌گردد، برای مدتی محدود، به ازمیر ارسال کنند. نیز خواسته شد که از وجود سایر آثار فضولی، از جمله کلیات او و بودن و نبودن نسخی از آن در آن کتابخانه‌ها، هم خبر دهند. اما، با نهایت تأسف، جز یکی دو شهر بقیه پاسخی نفرستادند و تقریباً چیز چشمگیری به دست نیامد. با زائل شدن شور و اشتیاق اولیه‌ای که در ریاست دایره ازمیر برای جستجوی نسخ خطی پیدا شده بود، به طوری که در سطرهای آتی - در قسمت «درباره متن‌های فضولی» - اشاره خواهد شد، اجباراً کار تحقیق را با اتکاء بر امکانات و توانمندی‌های شخصی، محدود به چند نسخه چاپی و چند نسخه خطی کردیم. از طرفی هم چون تری که داشتیم با زبان و اسلوب و شاخصه‌های هنری و جایگاه فضولی در طرح اولیه در تناسب نبود، بررسی متن اثر، تا کوچک‌ترین جزئیات آن، به همان صورتی که در اصل بوده است، ضرورتی نداشت. نقل قول‌هایی که درباره زندگی و شخصیت فضولی از آثار مورد استفاده به عمل آمده، دارای ارزش علمی است و برای این تحقیق کفایت می‌کند. البته، اگر در سال‌های آینده امکان دسترسی به چاپ انتقادی کلیات فضولی فراهم آید، در آن زمان [۱۹] می‌توان به سادگی به رفع خطاهایی که در ارجاعات صورت گرفته، اقدام نمود. تا آن زمان، که نمی‌دانیم کی فرا می‌رسد، نمی‌توان دست روی دست گذاشت و درباره فضولی اقدام به تحقیق نکرد. چه، این کار گناهی نابخشودنی است. نخستین گام خوشحال کننده را، در این زمینه، دکتر علی نهاد تارلان - متخصص ارزشمند ادبیات دیوان و استاد شرح متون - با تمهید مقدمات چاپ انتقادی دیوان فضولی برداشته است (که نشانه آن پی‌گیری وزارت معارف در این زمینه و نامه شماره ۳۰۲ مورخ ۱۳ نوامبر ۱۹۴۴ مدیریت کتابخانه‌های آن وزارتخانه به ولایات برای تنظیم و ارسال فیش‌های اطلاعاتی درباره نسخ خطی معروف آثار فضولی است).

با پیشرفت کارها، اقدامات جدیدی جای اقدامات قبلی را گرفت و با مساعدت دوستان و استادان همکار و تلاش‌های شخصی، امکان و فرصت جمع‌آوری تألیفات و تحقیقات

موجود در زبان‌های دیگر درباره فضولی فراهم آمد. در همان حال که جستجوی منابع انجام می‌شد، به ترتیب نوبت و اهمیت و ارزش منابع و تحقیقات به دست آمده، دسته بندی و استفاده از آن‌ها صورت می‌گرفت. بعلاوه، در سایه همکاری کتابخانه‌های استانبول و ازمیر، منابعی که درباره فضولی مطلبی داشتند، مخصوصاً تذکره شاعران، مقابله شد و، جهت استفاده بیشتر، مدخل‌های مربوط، به شکل کنونی و به صورت پیوست، به کتاب افزوده شد. بدین ترتیب، مباحث مربوط به فضولی از آثاری که جستجو و دسترسی بدان‌ها در هر زمان و مکانی چندان ساده نبود و داده‌های کم و بیش متفاوتی داشتند، تماماً در بخش منابع - پیوست - در دسترس قرار داده شد و امکان صحت یابی و کنترل نقل قول‌ها برای خوانندگان فراهم گردید. [۲۰]

در بخش مدخل، به ویژگی‌ها و خطوط عمومی منابع و تحقیقات داخلی و خارجی پرداخته شده است. لذا، از بررسی آن‌ها در این جا خودداری می‌شود. اما محل مناسبی است که کتاب شرح فضولی را حبیب گئورک ترزی باشیان در همین جا بررسی شود. ترزی باشیان، زمانی که نویسنده سال‌های نخست دانشگاه را سپری می‌کرد، مقاله‌های پرشوری درباره فضولی در روزنامه‌ها می‌نوشت و کسی است که طولانی‌ترین مقاله‌ها را در این باره نوشته است.

جلد اول اثر ترزی باشیان که مدخل است، چهار صد و پنجاه صفحه دارد و در سال ۱۹۲۸ به چاپ رسیده است. جلد دوم آن که هفتصد و بیست صفحه دارد، در سال ۱۹۲۹ و در استانبول انتشار یافته است. سومین جلد این اثر که مبحث مربوط به اسلام را شامل می‌شود، همراه با بخش شرح مطالب، در حدود دو مجلد و در اصل به صورت منتخبات است که به دلیل مرگ نویسنده در ایام بین چاپ دو مجلد نخست، چاپ نشده باقی مانده است. درباره کتاب شرح فضولی مطالب پرمبالغه و ستایش آمیزی شنیده بودم و در یکی دو روزنامه مثل «سون پوستا»^{۴۳} نیز از ارزش بالا و دیگر ویژگی‌های آن چیزهایی خوانده بودم. اما، چون اساساً اشراف بر ماهیت این کتاب که به زبان ارمنی نوشته شده است، موکول به ترجمه شدن آن توسط صاحب قلمی صلاحیت دار بود. پس از آندیشه بسیار تصمیم گرفتم که اثر مزبور را برای ترجمه در اختیار شخصی ارمنی که به هر دو زبان ترکی و ارمنی مسلط بود، بسپارم. قارابت بیلگه^{۴۴} عهده‌دار ترجمه شد و جلد اول کتاب را، که پیرامون زمانه،

43. Son Posta

44. Garabet Bilge

زندگی، و آثار فضولی است، به زبان ترکی برگرداند. در این خصوص، از قارابت بیلگه که خدمت به فرهنگ و ادب ترک را بر منافع مادی خویش ترجیح داد، سپاسگزارم. اما درباره اثر تألیفی ترزی باشیان که مدعی بود پس از سال‌ها شب زنده داری و تبعات بسیار، آن را پدید آورده است، باید گفت که این اثر، در معنای علمی کلمه، نمی‌تواند مدخلی بر یک شرح درباره فضولی به حساب آید. زیرا، از نظر روش و بینش علمی و از منظر فهم و دریافت، دارای نقائص بسیاری است. به ویژه، ذکر این نکته ضرورت دارد که نویسنده این اثر فضولی را مورد استفاده ابزاری قرار داده است. وی آن چه را که از دانشمندان ادبیات و هنر عرب، ایران، یونان، لاتین، و فرانسه، [۲۱] بی هیچ نظم و ترتیبی، اخذ کرده، با دانسته‌های پراکنده به هم آمیخته و به صورتی آشفته در مجموعه‌ای دائره المعارف گونه فراهم آورده است. در تدوین یک تک نگاری، چنین کاری به جای این که مزیت باشد، بیشتر قصور و نقص تلقی می‌شود. بعلاوه، آن چه را هم که نویسنده مورد نظر درباره تاریخ عثمانی آورده است، عموماً، از هامر [پورگشتال] و دیگر منابع دست دوم اخذ کرده و هیچ مراجعه‌ای به منابع اصلی آن دوره نکرده است. همین طور، تذکره الشعراهای بسیار معروف که از فضولی بحث کرده‌اند، از نظر او به دور مانده و حتی از وجود برخی مطالعات پیش از خودش در همان موضوع، از قبیل مطالعات هامر و گیب و کریمسکی، اصلاً خبردار نشده و، اکثراً، تحقیقات ترکی بعد از دوران تنظیمات را مورد بهره برداری قرار داده است. اگرچه راحیب ترزی باشیان در مطالعات خود از آثار خود شاعر نیز استفاده کرده است، اما این امر محدود به برخی آثار ترکی و تنها مقدمه دیوان فارسی فضولی شده و از دیگر آثار وی هیچ بهره‌ای گرفته نشده است. کمبود دانش تاریخی - اجتماعی نویسنده، هم، باعث راه یابی نادرستی و اشتباه در جای جای اثر گردیده است. البته انصاف باید داد، همین که ترزی باشیان، در بین تحقیقاتی که تا به امروز صورت گرفته، حجیم‌ترین تحقیق را درباره فضولی انجام داده و تعلق نداشتن فضولی به ملت و زبانی خاص را بر زبان قلمش جاری ساخته و او را از بزرگان ادبی جهان دانسته است، اثرش را واجد ارزش و معنای ویژه‌ای کرده است. همین خصوصیت، نیز، باعث شد که نویسنده، علاوه بر ذکر مشخصات کتاب شناختی مختصری از اثر مزبور، بحث گسترده‌ای درباره آن به عمل آورد.

گزارش ئی. برتلس^{۴۵} به آکادمی علوم روس، از جمله نوشته‌هایی است که از آثار فضولی

۴۵. اوگنلی ادوارد و ویچ برتلس (۱۹۵۷-۱۸۹۰)، ایران‌شناس روس و رئیس مؤسسه مطالعات ایرانی و ترکی آسیای مرکزی در دهه‌های ۱۹۳۰ تا ۱۹۵۰م. (مترجم)

۳۸ فضولی؛ محیط، زندگی و شخصیت (حیات اجتماعی میانرودان در قرن دهم هجری)

بحث کرده‌اند. این گزارش که متأسفانه امکان رؤیت آن برای نویسنده فراهم نشد، در بولتن آکادمی علوم روسیه - بخش علوم انسانی (۱۹۳۰، شماره ۵، ص ۳۰۶-۲۹۷) به چاپ رسیده و در آن نسخه منحصراً به فرد دیوان عربی و مطلع الاعتقاد [فی معرفه المبدأ و المعاد]^{۴۶} فضولی، موجود در موزه لنینگراد، معرفی شده است. [۲۲] ندیدن گزارش برتلس نقص کار نویسنده است،^{۴۷} و احتمالاً منابع و تحقیقات دیگری نیز باشد که نویسنده از وجود آن‌ها بی‌خبر مانده و یا به دلیل فقدان ارزش و اهمیت تحقیقی‌شان از مراجعه بدان‌ها خودداری کرده است.

به هدف تکمیل چارچوب طرحی تحقیقاتی که باید اساس کار قرار گیرد، از یک طرف به جمع‌آوری منابع و تحقیقات موجود و از طرف دیگر به مطالعه چند باره کلیات فضولی و تهیه و تنظیم صدها فیش تحقیقاتی اقدام شد. نکات مذکور در آثار خود فضولی، در مطالعه و بررسی زندگی و شخصیت وی، بی‌تردید، نقش نخست و اساسی را ایفا می‌کند. البته، ادبیات دیوان هم از ویژگی‌هایی برخوردار است که هرگز مورد غفلت قرار نگرفته و تمام نکاتی که فیش‌برداری شده‌اند، در مرحله نخست با هم و در مرحله بعد با منابع و در مرحله سوم با ادبیات تحقیق، مقابله شده و در این راه هیچ‌گونه اهمالی روا داشته نشده است. درباره نکاتی هم که مورد وثوق و اطمینان قرار نگرفته، از تحقیقات جدید پرهیز شده است. در این راه از انیس القلب و دیوان فارسی، که تا کنون کسی از آن‌ها در تحقیقات اش استفاده نکرده است، بسیار بهره گرفته شد. کار به این شیوه، ماه‌ها به درازا کشید. در ابتدا بسیار پیش می‌آمد که فشار ناشی از سر و کله زدن با جعبه‌های بزرگ و کوچک مملو از فیش‌های تحقیقاتی و موضوعات مربوط و درگیر شدن طولانی مدت با مسأله، نویسنده را کلافه و نوشتن تک‌نگاری را به مخاطره افکند. لذا، تا جایی که ممکن بود، از تمایلات شخصی و مطالعات سطحی پرهیز می‌شد و به طور دائم تلاش بر این بود که با کنترل نفس و توان آرامش حضور پیدا شود. بدین ترتیب نوشتن کتاب آرام آرام آغاز شد. [۲۳]

۴۶. این اثر با مشخصات زیر به فارسی برگردانده شده است: مطلع الاعتقاد فی معرفه المبدأ و المعاد، ترجمه عطاءالله حسینی (تهران: انتشارات بین‌المللی الهدی، ۱۳۷۹). (مترجم)

۴۷. برای جبران نبود دسترسی به گزارش برتلس، چه مورد کلیات فضولی که در لنین‌گراد نگهداری می‌شود و چه مورد اشعار عربی او، خلاصه گزارش وی به همراه نوشته‌اش درباره دیوان عربی، از نوشته‌های فؤاد کوپرولو و عبدالقادر اینان استفاده شد. نک: «آثار جدید فضولی» در Azerbaijan Yurt Bilgisi، شماره ۱۲ (استانبول، ۱۹۳۳)، ص ۴۴۸، ۴۴۷؛ و «دیوان عربی فضولی» Türk Dili Belleten، شماره ۳/۴ (مائیس ۱۹۴۰)، ص ۶۱-۵۹.

درباره شیوه تحقیق و روش علمی کار، طی مباحث مختلفی که پیش آمده، سخن گفته شده است. نیازی به یادآوری نیست که همیشه در پی تحلیل‌های ظریف و ژرف و نیز مقایسه و نقد، ترکیب صورت گرفته است. البته در جایی که اسناد و مدارک سکوت کرده‌اند، نویسنده هم، به ناچار، کار را به سکوت گذرانده و یا این که به دادن فرضیه بسنده کرده است.

اساساً، مقصود کنار زدن پرده از نادانسته‌های زندگی و شخصیت فضولی بوده است؛ پرده‌هایی که هویت شاعر در پس آن‌ها پنهان مانده است. شاعری که یک تنه بر فراز قله‌های هنر ملی گام نهاده، حیاتی جاودانه یافته، و شاعر «حضور و هجران» شده است. اگر نویسنده توانسته باشد، با تحقیق خود، بر طبقات بنای رفیع شناخت فضولی طبقه‌ای بیفزاید، به وظیفه خود، و حتی بیش از آن، عمل کرده است. خوانندگان این اثر، امید است، تحقق این مقصود را تصدیق نمایند.

آن چه که از کتاب‌ها، بررسی‌ها، مقاله‌ها و غیره، به تعداد زیاد، در کتاب نامه آورده شده است، هم میزان جستجو و تلاش نویسنده را نشان می‌دهد و هم مفید فایده برای کسانی است که بعدها در این زمینه به تحقیق خواهند پرداخت.

پیش از پایان دادن به مقدمه، شایسته است به ایفای وظیفه‌ای که حکم وجدان است بپردازیم: آماده شدن این اثر و صورت نهایی پیدا کردن آن را، پس از لطف پروردگار، مدیون استاد بزرگوارم پروفسور دکتر علی نهاد تارلان هستم که روزهای متوالی، با دقت و علاقه و شکیبایی بسیار، هر مبحث را از ابتدا تا انتها با نویسنده خواند و اصلاحات لازم را اعمال کرد. به دلیل نظارتی که استادان محترم داشتند و کمکی که در حل برخی مشکلات این اثر فرمودند، از همه ایشان سپاسگزارم. بخشی از تلاش سه ساله نویسنده، دور از کتابخانه‌های استانبول صورت گرفت. اگر برخی اشخاص محترمی که در استانبول هستند، به ویژه دوستان، به موقع یاری نمی‌رساندند، و اگر مسئولان محترم کتابخانه ملی از میر از فراهم آوردن همه‌گونه وسائل راحتی، اعم از کتاب‌های متعدد و فضای مخصوص تحقیق، خودداری می‌کردند، هم کار تحقیق بسیار به درازا می‌کشید و هم صعوبت کار بیشتر می‌شد. از این رو، سخنمان را با سپاسگزاری از هیأت مدیره کتابخانه ملی از میر و همکاران ایشان و نیز دوستانمان به پایان می‌بریم. [۲۴]

عبدالقادر قاراخان

۱۷ نوامبر ۱۹۴۴